مكتوب جناب انيس به برادرش حاجى ميرزا عبدالله

مومنين اوليه

اصلی فارسی



### مكتوب جناب أنيس به برادرش حاجى ميرزا عبدالله – ميرزا محمد علي زنوزي (جناب أنيس) - كتاب ظهور الحق، جلد ۳، ۱٦٥ بديع، صفحه ۲٦

## ﴿ هو العطوف ﴾

قبله ‌گاها احوالم بحمد اللّه عيبى ندارد لکلّ عُسْرٍ يُسْر اين که نوشته بوديد اينکار عاقبت ندارد پس چه کار عاقبت دارد؟ بارى ما که ازين کار رضايتمندى داريم بلکه شکر اين نعمت را نمى توانيم بجا آريم و منتهاى امر کشته شدن در راه خدا است و اين زهى سعادت و قضاى خداوندى بر بند گان جارى خواهد شد تدبير تقدير را بر نمی گرداند مَا شَاءَ اللّهُ کَانَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ قبله ‌گاها آخر دنيا مرگ است کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ المَوْتِ أَجَلٌ مَحْتُومٌ که خداوند عزّ و جلّ مقدر فرموده است اگر مرا درک کرد پس خداوند خليفه من است بر عيال من و توئى وصى من هر طور که موافق رضاى الهى است رفتار خواهيد و هر چه بى ادبى و خلاف مراسم کوچکى نسبت بآنجناب صادر شده عفو فرمائيد و طلب حليت از همهٴ اهل خانه از براى من بنمائيد و مرا بخدا بسپاريد حسبي اللّه و نِعم الوکيل